



مذاکرات هسته‌ای ایران و گروه ۵+۱ را می‌توان «شرط‌نح منافع» نامید.درباره ایران،شرایط مشخص بود؛ تامین منافع. اما در سوی دیگر آمریکا تلاش می‌کرد علاوه بر تامین منافع خود، منافع شرکا و متحدان خود را نیز تامین کند.

توافق هسته‌ای بالاخره پس از ۳ سال مذاکره براساس همین قاعده بازی حاصل شد و داده‌ها و مستانده‌های هر دو طرف اعلام شد و ۲ طرف تعهداتی را در این توافق پذیرفتند.تعهدات طرف ایران که ستانده آمریکا و دیگر اعضای گروه ۵+۱ محسوب می‌شود، از همان ماه‌های قبل از اجرایی شدن توافق در جیب آنها سرازیر شد (محدود شدن برنامه هسته‌ای ایران) اما تعهدات طرف دیگر که اغلب آنها بر دوش آمریکا بود غیرملموس و نامشخص بود و از سوی تیم مذاکره‌کننده ایران که گذر زمان موکول شد. منتقدان برجام در ایران از همان گران مذاکرات درباره عواقب حصول چنین توافقی و نامتوازن بودن آن بارها و بارها هشدار دادند. در مقابل دولت آقای روحانی ضمن متهم کردن منتقدان به فرافکنی و نسبت دادن عنلونی

تعویض اسب‌ها در وقت اضافه!

صادق فرامرزی: «شما نمی‌توانید اسب‌ها را وسط مسابقه عوض کنید». این جمله آشنا اما کودکسال در سپهر سیاسی ایران به توثیت محمدجواد ظریف خطاب به زیرپروکشی طرفین غربی‌اش در واپسین روزهای آخرین دور مذاکراتی بازمی‌گردد که منجر به توافق موسوم به برجام شد. این‌بار موضوع دیگر زیرپروکشدین طرفین غربی نیست گویا خود متولیان مذاکره و برجام که روزی از نقل این جمله برای رسیدن به توافق استفاده می‌کردند جامه عمل به آن پوشانده‌اند تا این بار برای فرار از پاسخگویی، اسب‌های‌شان را در میانه میدان افکار عمومی عوض کنند. روحانی ۳هفته پیش در دانشگاه تهران از همان پروژه‌ای با صراحت رونمایی کرد که چندماهی برای افتتاحش فضاسازی کرده بود. آش برجام که این روزها و پس از تمدید



سید محمد خاتمی

تحریم‌های ۱۰ ساله ایالات متحده به حدی از دشواری رسیده است که جای برای پاسخگویی باقی نگذاشته، دولت‌مردان را به این فکر واداشت تا مسیر پاسخگویی را با راهبردی دوگانه مسدود کنند. سخن رئیس‌جمهور مبنی بر «هیچ قدمی در برجام بر نداشتیم جز اینکه همه موارد را با رهبری هماهنگ کردیم» خود روی دیگر سکه فرار از پاسخگویی‌ای است که چند ماه پیش با جمله «برجام سایه جنگ را از سر ما برداشت» کلید خورده بود. اما ارتباط این دو عبارت با یکدیگر چیست؟ جواب روشن است: حالا از یک‌سو برجام توافقی نیست که بخواهد مشکلات را از سطح اقتصادی تا «آب خوردن» حل کند بلکه توافقی است که توانسته «سایه جنگ» را از سر کشور بردارد. اما این دو رویکرد را چگونه می‌توان در کنار یکدیگر جا داد؟ برکسی پوشیده نیست که در سایه نبود هیچ عملکردی در عمر ۳ ساله دولت یازدهم «برجام» را می‌توان مترادف با مفهوم دولت یازدهم دانست و حال بهبودگی و بی‌حاصلی این مفهوم معنایی جز سوختن ۳ سال از عمر جامعه ایرانی بر اثر سیاست‌های دولت تدبیر و امید ندارد، پس اگر سبب و گلابی‌ای از باغ برجام برای جامعه ایران به ثمر نرسیده باید میوه‌ای برای آن ساخت و طبیعتاً حالا که دولت در قامت یک پهلوان پنبه در میدان دیپلماسی ظاهر شده است باید با «هن آثم که رستم بُود پهلوان» خود را معرفی کند و ثمره امنیت مثال‌زدنی این روزهای کشور را به‌عنوان حاصل زحمات سرهنگ‌هایی که در این سال‌ها با چنگ و دندان به دست آورده‌اند به نام خود تمام کند تا سبب و گلابی‌ای ولو پلاستیکی به دست افکار عمومی برای خریدن کمی محبوبیت و مشروعیت برسد. در این میان شاید رئیس‌جمهور فراموش کرده است که در سال نخستین دولت خود رئیس دستگاه دیپلماسی‌اش با جمله «آمریکا می‌تواند با یک بمبش تمام سیستم دفاعی ما را از کار ببندازد» در همان دانشگاهی که سخنان چند هفته پیشش را ایراد کرد اساساً وجود

بیان مخالفت خود با برجام در پیش گرفته بود، نه از طریق مبادی رسمی بلکه از راه‌های غیررسمی

موضع خود را درباره توافق اعلام کرد. «بندر بن

سلطان» رئیس پیشین دستگاه جاسوسی عربستان و سفیر سابق این کشور در آمریکا در واکنش به توافق هسته‌ای ایران گفت: این توافق به این کشور اجازه دسترسی به بمب اتم را خواهد داد و موجب بی‌ثباتی منطقه خواهد شد. غیر از این، منابع مختلفی اعلام کردند مقامات عربستان‌سعودی در محافل خصوصی مخالفت خود را با توافق هسته‌ای اعلام کرده‌اند. «بنیامین نتانیاهو» نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی نیز علناً و صراحتاً مخالفت خود را با برجام اعلام کرد. وی پس از حصول توافق هسته‌ای گفته بود: این توافق به فعالیت‌های هسته‌ای ایران مشروعیت بخشیده و یک ساختار بزرگ هسته‌ای را در دستان آنها می‌گذارد اما تحریم‌ها را بلافاصله علیه ایران برمی‌دارد.

نتانیاهو با اشاره به اینکه توافق هسته‌ای می‌تواند اقتصاد ایران را احیا کند مدعی شد پس از این امر دست ایران برای حمایت از گروه‌های تروریستی آبه زعم اسرائیل در خاورمیانه بازتر خواهد شد. علاوه بر نتانیاهو دستگاه‌های اطلاعاتی و امنیتی این رژیم نیز یکصدا با برجام مخالفت کردند و ایران را پیروزی این مذاکرات خواندند. مجموعه این اظهارات و مخالفت‌ها باعث شد حامیان برجام در ایران آن را استدلالی محکم برای دفاع از برجام قرار دهند و مخالفان توافق را به اظهارات مقامات اسرائیل و عربستان ارجاع دهند.

■ **آیا اسرائیل و عربستان واقعا مخالف برجام بودند؟**
«وندی شرم‌ن» مذاکره‌کننده ارشد آمریکایی پس از هر دور مذاکره قبل از اینکه به واکنشگتن و خدمت باراک اوباما برود به سرزمین‌های اشغالی سفر می‌کرد و مقامات اسرائیلی را در جریان ریزترین

رنگ باختن استدلال‌های پوشالی حامیان برجام

آیا مردم هنوز منتظرند؟

- مهدی مهدوی گرانگی

جزئیات مذاکرات قرار می‌داد و دستورات لازم را برای ادامه مذاکرات از آنها دریافت می‌کرد. از همین رو بود که رسانه‌های اسرائیلی ماه‌ها قبل از به پایان رسیدن مذاکرات جزئیات توافق را در گزارش‌های خود ارائه می‌کردند. گزارش رسانه‌های اسرائیلی دربراره توافق اگر چه از سوی مذاکره‌کنندگان تکذیب می‌شد اما بعد از حصول توافق مشخص شد همه آن گزارش‌ها به برکت گزارش‌های دقیق وندی شرم‌ن به مقامات اسرائیلی درست بوده‌اند. با چنین توصیفاتی بسیار بعیدبود اسرائیلی‌ها از نتیجه مذاکرات مطلع نبوده باشند و از حصول آن ناراضی باشند. دیدار معروف «سعود فیصل» وزیر وقت خارجه عربستان با جان کری، وزیر خارجه آمریکا در هواپیمای اختصاصی وی در فرودگاه وین چند هفته مانده به حصول توافق نیز حکایت از آن داشت که سعودی‌ها نفوذ کافی و وافی در جریان مذاکرات دارند و از چند و چون آن کاملاً آگاهند.

اما آنچه مواضع اصلی اسرائیل و عربستان در قبال برجام را برملا کرد و نیست واقعی آنها را نشان داد، پیروزی «دونالد ترامپ» در انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا بود؛ جایی که ترامپ در طول مبارزات انتخاباتی گفته بود در صورت ورود به کاخ سفید برجام را پاره می‌کند.

ترامپ در رقابت‌های انتخاباتی خود بارها با هجمه به توافق هسته‌ای آن را «احمقانه‌ترین معامله همه دوران‌ها» خوانده بود و حتی در سخنرانی خود در اجلاس سالانه انجیک اعلام کرده بود اولویت نخست کاراش پس از پیروزی در انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا، «رفع‌نشان ازجاع دهند. ایران و پاره کردن برجام» خواهد بود. با وقوع چنین اتفاقی که کمالاً در جهت مخالف خواسته حامیان برجام بود، مقامات اسرائیلی و سعودی با دستپاچگی نگاه خود را به توافق هسته‌ای به صراحت اعلام کردند.

«بندر بن سلطان» که چند ماه پیش گفته بود

کشتی دیپلماسی در دل اقیانوس اطلس

دریایی به عنوان یک نیروی «فناوری‌محور» یاد می‌شود. در این راستا تجهیز نیروی دریایی به انواع شناورهای سطحی و زیرسطحی در کلاس‌های مختلف از برنامه‌های اصلی کشورها در عرصه نظامی است. حضور مستمر نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی- به عنوان نیروی دریایی- راهبردی- در آب‌های آزاد بین‌المللی نیازمند تجهیزاتی خاص مانند انواع ناوشکن‌ها و زیردریایی‌ها در کلاس‌های متفاوت است که به لطف تلاش‌های دانشمندان و متخصصان داخلی، امکان تولید این تجهیزات در داخل کشور به‌وجود آمده است. طراحی، ساخت و به‌کارگیری ناوشکن جماران نمونه‌ای بارز از این قابلیت جوانان و دانشمندان ایرانی است. پیشرفت‌های چشمگیر محققان دفاعی کشور به همین‌جا ختم نمی‌شود. رهبر حکیم انقلاب بهمین ۸۸ در دیدار دست‌اندر کاران

ساخت ناوشکن جماران فرمودند: «هن ساخت ناوشکن روی شناورهای زیرسطحی هم تأکید کنم. منبر نیروی دریایی یکی از هدف‌ها و جهت‌گیری‌های کلی‌اش باید مساله شناورهای زیرسطحی باشد. امروز - همانطور که قبلاً گفتمایم- نیروی دریایی یک نیروی راهبردی است

و در دفاع از کشور جزو خطوط مسلم و حتمی است، باید با زیرسطحی‌ها منطبقه را در دست بگیرید». این فرمان جدید، جوانان غیور ایران اسلامی را برآن داشت تا تلاش گسترده خود اقدام به طراحی و ساخت زیرسطحی‌هایی در کلاس بین‌المللی کنند. طراحی و ساخت زیردریایی‌های کلاس فاتح و بعثت از این قسم اقدامات است. همچنین جدیدترین تحقیقات در این حوزه مربوط به طراحی و ساخت زیردریایی‌هایی با تکنولوژی پیشرفته است. مستقل از هواسـت: فناوری‌ای که کشور‌های قدرتمند جهان، با به دنبال دستیابی یا به دنبال گسترش و پیشرفت آن هستند. حضور مستمر ناوگروه‌های اعزامی نیروی دریایی ارتش در خلیج عدن و درجه- آنجا اهمیت مضاعف پیدا می‌کند که شاهراه صادرات انرژی خاورمیانه- به عنوان قلب انرژی جهان- نیز محسوب می‌شود. بر اساس آمارهای بین‌المللی، روزانه بیش از ۱۷ میلیون بشکه نفت خام و فراورده‌های نفتی جهت صادرات از تنگه هرمز عبور می‌کند لذا ثبات امنیت و کنترل منطقه خلیج‌فارس و دریای عمان برای جمهوری اسلامی ایران و دیگر کشورهای انرژی‌های خاورفارس است. حضور مستمر ناوگان نظامی کشورهای غربی در خلیج فارس و دریای عمان نیز به دلیل اهمیت استراتژیک این منطقه است تا آنجا که ناوگان پنجم نیروی دریایی ایالات متحده در بحرن مستقر می‌شود. در این منطقه اقتصاد، سیاست و قدرت نظامی بهم پیوند خورده است. راهبرد دریایی جمهوری اسلامی دستیابی به قدرتی است که بتواند ضمن جلوگیری از استفاده دشمن از راه‌های آبی، حق استفاده از این راه‌ها را برای خود محفوظ دارد. از طرفی، وجود تنوع در ماموریت‌ها و تجهیزات نیروی دریایی یک کشور، سیادت دریایی آن کشور در دریا را هم فراهم می‌کند. لذا از نیروی



ناوشکن جماران در حال حرکت در خلیج فارس

تاریخ مشروطه

- دکتر موسی نجفی

ولسی در کنار این عوامل، عامل مهم دیگری را هم باید ذکر کنیم و آن اینکه در طیف گرایش مذهبی، گاه از زبان تنی چند از منبری‌های نه چندان خوشننام یا گروهی از روشنفکرانی که در ظاهر ملیس به لباس روحانی ولی در باطن مروج افکار روشنفکران و غربیان بوده‌اند، افکاری ترویج می‌شد که در نهایت بیان آرای روشنفکری و سکولاریسم به زبان عامه فهم بود؛ و اتفاقاً جالب است که بگوییم افکار این اشخاص را مشروطه‌بازان غربگرا به قدری ترویج می‌کردند که هر محقق تاریخ مشروطه را به شگفتی و می‌دارد. مؤید تاریخی این سخن را می‌توان در ترویج و نشر یکی از جراید دوره مشروطیت دید. در پایتخت مشروطیت جریده‌ای به نام الجمال با کاغذ و چاپ مناسب انتشار می‌یافت که کار اصلی‌اش، انتشار مطالب منبرها و سخنرانی‌های سیدجمال واعظ اصفهانی در مساجد و محافل تهران بود. واعظ روشنفکر و متجددمآبی که مجتهد دین‌شناس و دردمندی چون حاجی شیخ فضل‌الله نوری او را در اعلامیه‌های حضرت عبدالعظیم(ع) خود، با عنوان زندیق جهنمی نام می‌برد، و حتی نویسنده سکولار تاریخ مشروطیت، یعنی احمد کسروی، معتقد بوده است که وی، به‌رغم رخت و لباس آخوندی، به دین اسلام و مؤسس آن اعتقادی جدی نداشته است. با صحت و سقم گفته امثال کسروی و اینکه جو ملتهب و اختلافات دوران مشروطیت ممکن بوده است در حساسیت مضاعف بر روی شخصیت سیدجمال واعظ تأثیر گذاشته باشد، کاری نداریم؛ ولی در هر حال، وی شخصیت خوشنام و موجهی در بین مذهب‌یون و متدینین و خاص دوراندیش عصر مشروطه نبوده است.

از نظر سبواق قبل از مشروطیت، به نقل از طرفداران و کسانی که شرح حال واعظ اصفهانی را نوشته‌اند، وی چند سال قبل از مشروطه با همکاری قنصل روس طرح و چاپ کتاب ربوای صادقه علیه علمای شیعه ریخته و با چاپ آن در بادکوبه و پخشش در سراسر کشور، اولین حملات روشنفکرانه را در قالب چاپ رمان، علیه روحانیت انجام داده است. از افراد غربگرای با قالب مذهبی، می‌توان از میرزا نصرالله ملک‌المکملین یاد کرد. این شخص نیز به نوشتن قسمتی از کتاب ربوای صادقه متهم بوده است. سناتور مهدی ملک‌زاده، درباره انتساب این کتاب به پدرش ملک‌المکملین‌می‌نویسد:

انتشار ربوای صادقه در ۱۳۱۸ هجری، غوغایی در ایران برپا ساخت و هزارها نسخه خطی آن در شهرهای ایران منتشر شد و سپس آن کتاب در پطرسورغ و هندوستان به طبع رسید.

البته سناتور ملکزاده خود از عناصر حکومتی دوران پهلوی و نویسنده غربگرا و سکولار بوده است و عجا که اینگونه کتاب‌ها هنوز در مراکز علمی ما از سوی گروه‌ها و اشخاصی جزو کتب مرجع، مستند، بی‌طرف و حقیقت‌نویس تاریخ مشروطیت معرفی می‌شوند.

فرد دیگری که در عصر مشروطیت خود را در قالب تجدد پنهان کرده بود، میرزا یحیی دولت‌آبادی، همان‌کسی است که‌بعدها‌به‌عنوان رئیس فرقه ازلیه مطرح شد و پدرش در این‌باره متهم بودند که جزو رؤسای فرقه بابیه بوده‌اند. دولت‌آبادی در دوران رضاخان به قول خودش، از لباس روحانی که به نوشته خود دست‌وپاگیر و مزاحم وی بوده، خلاص شده، از اینکه دخترش جزو نخستین بانوان آزادی‌خواه و شگنکنده لباس اسارت یعنی حجاب و چادر بوده است، در کنایش مطلب بسیاری را عنوان می‌کند؛ و همو است که در کتاب خود، به تمام مراجع و علما و آزادی‌خواهان حقیقی این کشور از عصر تنبک‌و تا مشروطه و از مشروطه تا دوران پهلوی بشدت تاخته و سرنخ استعماری بسیاری از جریانات شده است. به چند نمونه از افکار وی اشاره می‌کنیم:

نایب فراموش کرد حکومت روحانی‌نمایان را در این مملکت که به نام ریاست روحانی، خود را اولی به تصرف در اموال و اعراض بلکه نفوس خلق می‌دانستند و با همه چیز ملت بازی می‌کردند به حدی که بیداران ملت در اقلیت کاملی که داشتند در فشار و تهدید آنها بودند و عقب ماندن ایران از قافله تمدن دوران ۲ قسمت از ۳ قسمت بار گناهش بر دوش آن شیدانان از خدا بی‌خبر بود…

ذاتا به در برداشتن لباسی که در همه‌جای دنیا نتوان آن را پوشید، علاقه‌مند نبوده و نیستم و تاکنون ملاحظت مانع بوده است. اکنون که آن ملاحظت به واسطه این قانون (متحدالشکل بودن لباس) برطرف شده، مغتنم می‌شمارم که خود را از این قید خلاص کنم.

ادامه دارد